

خانه خوانی



www.ketab.ir

علی طباطبایی

تجربه‌ی زندگی در خانه‌های
دوره‌ی گذار معماری تهران

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر: تهران

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

خانه خوانی: تجربه‌ی زندگی در خانه‌های دوره‌ی گذار

معماری تهران / نویسنده سیدعلی طباطبایی ابراهیمی

تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۰.

۱۳۶ ص.

۶-۲۶-۶۱۹۴-۶۲۲-۹۷۸

فیبا

PIR۸۳۵۲

۸۶۳/۶۲

۵۷۱۶۳۷۳

خانه خوانی

تجربه‌ی زندگی در خانه‌های دوره‌ی گذار معماری تهران

ویرایش: الهام شوشتری زاده | طرح جلد: مریم کلبایگانی

طراحی صفحات داخلی: جواد آیت | صحافی: نمونه | چاپ: کاج

چاپ نهم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه | شابک: ۶-۲۶-۶۱۹۴-۶۲۲-۹۷۸



اطراف

متن و تصاویر از علی طباطبایی

atraf.ir

تلفن: ۲۲۹۰۲۹۷۵

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه‌ی تابان، پلاک ۱۱، واحد

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است. نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

فهرست

خانه‌هایی که
از آن آمدیم

۱۴

۱ قالب از ما
هست شد

۲ جای بالاتر

۳۰

۴ ساکن روان

۳۶

۳ راهروی مشترک

۳۸

۶ ایوان تماشا

۶۲

۵ خیال و بهار خواب

۵۶

۷ گریز به مرکز

۷۰

۸ گوشه های ابهام

۷۶

۱۰ مادر حیات

۹۰

۹ خلوت

۸۴

۱۲ خانه هایی که
با خود می بریم

۱۰۶

۱۱ ناخانه

۹۸

سخن ناشر

پیوند روایت و معماری اتفاقی تازه نیست. تمدن‌های بشری با معماری شهرها، قصرها، برج و باروها و خانه‌هایشان برای هم‌عصران و آیندگان پیام فرستاده‌اند و معماران و شهرسازها همیشه علاوه بر کاربری، به دلالت معنایی بناها هم اندیشیده‌اند. در طول زمان، معماری به جهت همین پیام‌رسانی، ابزار و رسانه‌ی قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شده و بی‌دلیل نیست که پژوهشگرانی مثل نایجل کوتس، امیال را بخشی از تاریخ معماری می‌دانند.

از دل پیوند معماری و روایت، معماری زایی زاده شده که گذشته از تحقق مضمون یا اجرای ایده‌ای در ساختمان، در پی درک و بیان محور و به‌کارگیری روش روایی برای فهم فضا است؛ فضایی که انسان را با همه‌ی آرزوها، حسرت‌ها و تجربه‌هایش در خود جای می‌دهد. در این رویکرد، پژوهشگر در جست‌وجوی قابی است که قصه‌های ساختمان و ساکنانش را پیش چشم آورد؛ قصه‌هایی که با کمک آن اجزای بنا مفهومی پیدا می‌کنند.

به مرور زمان، واژه‌ی خانه برای ساکنانش معنایی تداعی‌گر یا، به تعبیر امبرتو اکو، معنایی تلویحی پیدا می‌کند اما نباید نادیده گرفت که مفهوم خانه برساختی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و البته شخصی است. بخش مهمی از این مفهوم حاصل تجربه‌ی زیسته‌ی کسانی است که در خانه‌ای زندگی کرده‌اند و از تجربه‌هایشان قصه ساخته‌اند. قطعاً شنیدن روایت معماری خانه‌ها، فارغ از زندگی‌هایی که در آن جریان داشته، ممکن نیست. هنر معماری نسبتی

همیشگی با فضا دارد و فضا لحظه‌ای از گفت‌وگو با آدمی دست نمی‌کشد و در تعاملی همیشگی با انسان، به هویت او شکل می‌دهد.

کتاب خانه خوانی، با تمرکز بر پیوند روایت و معماری، تجربه‌ی ما از فضای خانه و معنای درخانه‌بودن را در قالب روایت می‌نشانند و بر نقش معماری در شکل‌گیری و ثبت خاطره‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی ما تأکید می‌کند. درک جنبه‌های روایی معماری خانه‌های ایرانی در دوره‌های مختلف، نه تنها ما را با برخی مفاهیم آثار معماری کشورمان آشنا می‌کند که، مهم‌تر از آن، دری به جهان شگفت‌انگیز تجربه‌های زیسته و هویت دیگری باز می‌کند که به ما و دنیای ما گره خورده‌اند. کتاب خانه خوانی بر مبنای یک پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد شکل گرفت. نویسنده مضمون بود که مسیر بین پایان‌نامه تا کتابی مناسب مطالعه برای مخاطبان گسترده‌تر را طی کند و به کمک نشر برای رسیدن به شکل کنونی و تغییر قالب نوشته‌اش، راه درازی را پیمود و با همکاری و حوصله مسیر جست‌وجویش را ادامه داد. در این کتاب، علی طباطبایی تجربه و خاطرات ساکنان خانه‌های برهه‌ی گذار (حدود دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ که می‌شود شکل دوره‌ی گذار معماری از سازوکارهای سنتی به شیوه‌های ساخت و زندگی مدرن است) در شکل دهی به درک آن‌ها از تجربه‌ی درخانه‌بودن را بررسی کرده و، بدون این‌که مدعی ارائه‌ی خوانشی یک‌ه باشد، حاصل پژوهش خود از زاویه‌ای خاص را با مخاطب در میان گذاشته تا اهمیت ارتباط روایت و معماری روشن‌تر شود.

شرایط اطراف در کنار مجموعه‌های دیگر در زمینه‌ی روایت، کتاب‌هایی از این دست را هم در برنامه‌ی کاری خود جای داده تا اندک‌اندک بستری مناسب برای انتشار آثار مؤلفان و پژوهشگران جوان ایرانی بسازد و پیوندهایی استوارتر میان قشر کتاب‌خوان و دانشگاهیان برقرار کند. امیدواریم انتشار این اثر برای پژوهشگران جوان و سخت‌کوش دیگر هم انگیزه‌بخش باشد.

زندگی سخت ساده است و

پیچیده نیز هم...

مارگوت بیکل

یادداشت اول

دشوارترین پرسش‌ها از نزدیک‌ترین چیزها است، مثل پرسش از خود، پرسش از زندگی، و پرسش از خانه. اندیشیدن درباره‌ی زندگی سهل و ممتنع است. اندیشیدن درباره‌ی خانه نیز چنین است. بسیار آسان می‌نماید، چون همه در خانه زندگی می‌کنند. گویا همه می‌دانند خانه چیست. اما همزمان بسیار دشوار است، چون سخن گفتن و اندیشیدن درباره‌ی خانه ساده نیست. خانه چنان نزدیک است که گویی درگ و پورتن را ریشه دوانده است. شاید شبیه سخن گفتن و اندیشیدن ماهیان درباره‌ی آب که خانه آنها است. این تمثیل را معمولاً برای سخن گفتن از ناآگاهی ماهیان از آب به کار می‌کنند و بلافاصله می‌گویند که تا ماهی از آب بیرون نیاید، از وجود آب باخبر نمی‌شود؛ توصیه‌ای عالمانه به ماهیانی که قصدشان شناخت آب است. شاید چنین باشد، اما آنچه ماهی از بیرون آب می‌تواند درک کند، دانشی درباره‌ی آب به مثابه‌ی نوعی ماده یا گستره‌ای بی‌کران است؛ هرچه هست، دیگر خانه نیست. و آنچه در این بیرون آمدن و فاصله گرفتن قطع می‌شود، زندگی است.

در فاصله، امکان نظاره و از بیرون دیدن فراهم می‌شود اما ناگزیر ربط و نسبیتی قطع می‌شود. ضمن ایجاد امکان ادراک، امکان دیگری سلب می‌شود. آنچه از دست می‌رود، برای ماهی، امکان فهم آب حین زندگی است و برای انسان، امکان فهم خانه حین تجربه‌ی سکونت در آن. و این یعنی از دست رفتن فهم خانه در

معنای خانه بودنش، یعنی ناممکن شدن فهم خانه حین جریان زندگی و ارتباطش با ساکنان خانه. اما چگونه باید چیزی چنین نزدیک را در همان نزدیک بودنش فهمید؟ پرسش از این معنای خانه چگونه ممکن است؟

چگونه باید خانه را فهمید؟ فهم خانه مستلزم فهم «زندگی در خانه» است. و این فهم بیش از همه برای کسی رخ می دهد که بنایی را به مثابه ی خانه می فهمد؛ کسی که در آن زندگی کرده است. فقط برای او است که بنا خانه می شود. برای دیگری، خانه فقط بنا است. می شود آن بنا را شناخت و گفت خانه ای را شناخته ام. اما این معنای واژه ی «خانه» با معنای خانه در عبارت «خانه ی من» بسیار متفاوت است. در تجربه ی زندگی و در امتداد سالیان سکونت، خانه طوری خود را بر ساکنانش آشکار می کند که برای هیچ چشم دیگری دیدنی نیست. مانند دوست خوبی که طی سال ها تجربه ی رفاقت و طبری او را می فهمیم که کسی بیرون از این رابطه ی دوستی به آن فهم راه ندارد. تجربه ی زندگی و رفاقت با دوست به تجربه ی زندگی با خانه بسیار نزدیک است. ما همچنان که «با» خانه مان زندگی می کنیم، در تجربه ی زندگی «با» خانه مان نیز همراه هستیم. حرف ربط «با» نوعی همراهی را در بطن خود دارد که معمولاً درباره ی خانه آن را از یاد می بریم. فهم حقیقی خانه منوط به فهم تجربه ی زندگی در خانه است. زندگی در خانه و با خانه یعنی تأثیر و تأثر مدام. خانه بر حال و رفتار و نحوه ی بودن ما اثر می گذارد و آثار هر لحظه از حضور ما نیز در خانه می ماند و بر آن می افزاید و به آن معنا می بخشد. تجربه ی سکونت و زیستن ما در خانه و با خانه چنین تجربه ای است. گویا این همان چیزی است که «برای» آن خانه می سازیم: برای سکونت، برای با خانه زیستن. این فهم از طریق تأمل در تجربه ی زیسته ی خود به مثابه ی ساکن خانه ی خود و همچنین از طریق شنیدن از تجربه ی زیسته ی ساکنان خانه های دیگر و ژرف اندیشی درباره ی آن رخ می دهد.

فهم تجربه‌ی زیسته یعنی فهمی از خانه‌ی من، من خانه‌ام و تأثیر و تأثر من و خانه‌ام. یعنی فهمی از خانه‌ی تو، توی خانه‌ات و آنچه میان تو و خانه‌ی تو گذشته است. و این را در نمی‌یابم مگر این‌که در خانه‌ات پای سخنان بنشینم و تواز تجربه‌ی زندگی‌ات با خانه‌ات بگویی و دقیق و با حوصله و صفتش کنی و من خیال تجربه‌ی تو را در درون خود پیروانم و باز تجربه کنم. توصیف تجربه محور «زندگی» از نزع و انتزاع مصون مان می‌کند؛ توصیف تجربه‌ای که در آن من (و جان و تن من)، ما (و جان و تن ما) همراه یا دور از هم، با خانه (و حال و کالبد آن) طی ماه‌ها و سال‌ها، و روزها و شب‌ها، طعم بیم و امید، شادی و غم، کودکی و جوانی و میان‌سال‌ی و پیری را چشیده‌ایم. اگر من فهم یکپارچه چیزی باشد که در جست و جوی آنیم، سخن‌پدیدارشناسان معادلات را خواهد بود؛ کسانی که در جست و جوی چیزی از دست‌رفته هستند و لایه‌لای توصیف‌های دقیق از تجربه‌های زندگی، سعی می‌کنند اندک‌اندک به آن چیز از دست‌رفته نزدیک شوند و آن را باز یابند. مسیری که چندان شبیه مسیرهای آشنا نیست، اما برای فهم بسیار دشوار است.

علی طباطبایی با گام نهادن در این عرصه‌ی مبهم و مه‌آلود، کاری جسورانه را پیش گرفته و با طرح پرسش‌هایی درباره‌ی معنای «خوب» بودن خانه‌ها و آزمودن راه‌هایی جدید برای اندیشه در باب این موضوع، بهره‌های بسیاری به ارمغان آورده است. او در این کتاب سعی کرده تجربه‌ی زیستن با خانه و در خانه را به تصویر بکشد و در نقش پرده‌خوان روایت‌های زندگی، از کاوش و غور در این تجربه سخن بگوید. همراه سطرهای این متن، می‌توانیم در لایه‌هایی عمیق، تجربه‌ی زندگی با خانه را درک کنیم و از آنچه بسیار به ما نزدیک است سخن بگوییم.

زهره تفضلی، استادیار دانشکده‌ی معماری دانشگاه شهید بهشتی